

جردن نگاه‌ی توخالی به پاول انداخت، پاول ادامه داد:

«مردم انتظار عمل فوری از ما دارند.»

جردن کانال تلویزیون را عوض کرد، یکی از شبکه‌های تلویزیونی، نظاره‌اتی را در خیابان ماساچوست مقابل سفارت ایران نشان می‌داد. می‌شد نگرانی را در چهره شعار دهنده‌های آمریکایی دید؛ چیزی که آن موقعیت— و خیلی از مواقع دیگر— سیاستمداراه واقعا به آن نیاز داشتند!

اگرچه جردن و پاول هیچ کدام به زبان نیاوردمند اما هر دو خوب

می‌دانستند که در این لحظات، وحشت از حمله و خشونت از جانب ایران چیزی بود که از نظر دولتمردان آمریکا هر شهرزد آمریکایی به آن نیاز داشت. منطقی که طی سالیان طولانی بر رؤسای جمهور و سیاستمداران این کشور حکومت می‌کرد. هر آمریکایی به مقدار زیادی وحشت و ترس مدام از دیگران نیاز داشت. ترسی که نفرت می‌آورد و باعث می‌شد آنها در مواقع خطر رفتاری شجاعانه از خود بروز دهند. به علاوه این ترس از دیگران باعث می‌شد که آنها فقط به دولت آمریکا و سلاح‌های خودشان اعتماد کنند و ساده‌لوحانه، جنایات و خشونت دولت را در مقابل دیگران به حساب دفاع یا برقراری صلح و نجات بشریت بگذارند.

جردن با خود فکر کرد:

«از همین‌رو است که بسیاری از آمریکایی‌ها تصور می‌کنند و باور

دارند که واقعا ناجیان بشریت‌اند.»

خبری که روز چهارشنبه به دفتر کارتر رسید، خیلی ناامیدکننده بود. مأموریت کلارک و میلر از قبل شکست خورده بود. از قول یکی از دانشجوین سفارت گفته شد که روح خدا هرگز دو نماینده شیطان را نجات بشریت بگذارد.

میلر و کلارک به دستور رئیس‌جمهور در ترکیه ماندند، با این که هیچ دلیلی برای امیدواری نبود. مردم ایران شاه را می‌خواستند و محاکمه شاه در عمل یعنی پایان کار آمریکا در خاورمیانه؛ یعنی روسپویی و شکست. چیزی که هیچ دولتمرد آمریکایی آن را دوست نداشت.

نزديک ظهیر درخواست طرفداران آیت‌الله خمینی برای برپایی تظاهرات در مقابل کاخ سفید از سوی کارتر رد شد. هرچند این یک تخلف قانونی^(*) از طرف رئیس‌جمهور تلقی می‌شد اما به هر حال کارتر نتنها در این شرایط اصلا به این اتهامات اهمیتی نمی‌داد؛ بلکه در فکر یک اقدام تنبیهی، نظامی و خصمانه بود. او درحالی که به شدت از شنیدن خبر درخواست تظاهرات ایرانیان مقابل کاخ سفید عصبانی به نظر می‌رسید، به همیلتون جردن گفت: «ممکن است مجبور باشم این‌جا بنشینم، لانم را گاز بگیرم و خود خود بوخیستن‌داری نشان دهم و با این کار ناتوان به نظر برسم که به آن پدرسوخنده‌ها اجازه نخوام داد تا در مقابل کاخ سفید به تحقیر کشورمان بپردازند. بگذار یک چیز دیگر هم به تو بگویم! اگر رئیس‌جمهور نبودم، خودم تسوی خیابان‌ها راه می‌افتادم و هر کجا به نظر ظاهرکننده‌ای از طرفداران خمینی روبه‌رو می‌شدم، با مشت بر سرش می‌کوبیدم.»

فیلمنامه‌ای برای جنگ

نهم نوامبر ۱۹۷۹

واشنگتن – صبح همان روز

در اتاق معروف بیضی شکل کاخ سفید، گفت‌وگو گرم‌تر می‌شد،

ژنرال ادوین جونز رئیس ستاد مشترک گفت:

«اگر فقط برای آزادسازی گروگان‌ها دست به کار شویم، احتمال

الف/۱) در بیانیه موسوم به بیانیه اعلام حمایت سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران از نامزدی مهندس میرحسین موسوی در دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری که در مورخ ۲۱ فروردین ۱۳۸۸ منتشر گردید سازمان مجاهدین همسو با ضد انقلاب و دشمنان صریحا و با قطعیت اما بدون ارائه سند و مدرکی، سلامت انتخابات ریاست جمهوری را پیشاپیش نفی می‌کند که تا این لحظه قادر به اثبات ادعای خود نبوده است.

در بخشی از این بیانیه آمده است: «دیگر تقریبا‌اعتمادی به آمارهای انتخابات از جمعیت واجد حق رأی گرفته تا آراء شرکت کنندگان و تا آراء کاندیداها وجود ندارد.»

در بیانیه دیگری تحت عنوان «هشدار مجاهدین انقلاب نسبت به خرید رأی در انتخابات ریاست جمهوری دهم که در مورخ ۲۸ اردیبهشت ۸۸ منتشر و آن را سومین بیانیه انتخاباتی خود عنوان نموده است نویسندگان بیانیه در تطبیقی ناصواب سعی نموده‌اند انتخابات را بعد از رحلت امام(ره) فرمایشی و مشابه انتخابات زمان ستم شاهی‌لقا نمایند.

در این رابطه بیانیه مذکور چنین اشعار می‌دارد: «فش حاکمیت ستم شاهی در برپایی انتخابات نامیزی و تهیه فهرست‌هایی از اسامی نامزدهای مورد نظر و ابلاغ آن به مجریان انتخابات نیز به عنوان عامل مهم دیگری در مسخ و بلاموضوع شدن انتخابات واقعی و آزاد غیرقابل انکار است که نهایتا با تمسک مجریان به رأی‌سازی‌های متقلبانه و

خلل و تصرفهای غیرقانونی، نوعا‌منجر به بیرون آمدن نام همان افراد از صندوق‌ها و تشکیل مجالس فرمایشی می‌شد.»

بلافاصله در ادامه تصریح می‌گردد: «در سالهای پس از رحلت امام، در کنار تلاش برخی جریان‌های سیاسی برای محدود کردن قدرت انتخاب مردم و تبدیل انتخابات به انتخاباتی از درجه‌ای که در آن گروهی خود را محق می‌دانند قبل از مردم، فهرست داوطلبان را براساس معیارها و سلیساقی فردی و جناحی غربال کنند و با کامل تأسف باید اذعان نمود این تلاش در برخی از ادوار اخیر منجر به ایجاد انحراف در مسیر تحقق انتخابات واقعی در کشور شده است.»

بیانیه مورخ ۲۴ خرداد ۱۳۸۸ به مناسبت نتایج انتخابات ریاست جمهوری دهم سند دیگری است که نقش این سازمان را در بحران‌سازی و تشویش اذهان با هدف تشکیک در سلامت انتخابات و مخدوش نمودن مشروعیت نظام نشان می‌دهد.

در بخشی از این بیانیه آمده است: «آنچه در این انتخابات رخ داده علاوه بر تقلبات و تخلفات گسترده و بی‌سابقه در صندوق‌های رأی، هنوز استفاده حداکثری از تمامی امکانات و فرصت‌های در اختیار برای

مهندسی آراء و رأی سازی بود.»

ریاست محترم دادگاه!

وقتی در بازجویی‌ها از اعضاء سازمان مجاهدین سوال گردید که شما طبق چه مستنداتی قاطعانه به بروز تقلب در انتخابات حکم نمودید، مسئولیت را متوجه ستاد آقای میرحسین موسوی و کمیته صیانت از آراء می‌نمایند و خود هیچ سندی ارائه نمی‌کنند. اعضاء سازمان بدون توجه به عواقب ناشی از این دروغ پردازی‌ها که خسارات جانی و مالی فراوانی در پی داشت مدعی هستند تنها نظر خود را ابراز نموده‌اند و به راحتی از زیر بار مسئولیت کشته شدن عده‌ای که با اعتماد به سازمان

دیگر احزاب همسو و تحت تأثیر القانات اقبشان دست به اقدامات مجرمانه زندگ در دادگاه‌های قبلی به گوشه‌ای از آن اشاره شد، شانه خالی می‌کنند.

هر چند که نهایتا وقتی با سوال‌های منطقی روبه‌رو شده و پاسخی نمی‌یابند به این جمله اکتفا می‌کنند که ما سندی دال بر تقلب نداشتیم و باید به حکم قانون التزام عملی داشته باشیم.

همچنین سازمان مجاهدین با صدور اطلاعیه‌ای در خصوص



وحشت و ترس از دیگران منطقی که همواره بر زمامداران کاخ سفید حکومت می‌کند!

کشته شدن تعدادی از آن‌ها وجود دارد. فقط یک جنگ تمام عیار می‌تواند چاره کار باشد.»

هارولد براون در جواب ژنرال گفت:

«فکر می‌کنم اگر منظر بنامیم، متحدان ما می‌توانند زمینه را برای برپایی جنگ در منطقه به وجود آورند. آن وقت کشته شدن گروگان‌ها توجیه بهتری پیدا می‌کند.»

ژنرال آمریکایی که به نظر می‌رسید از حرف براون آزرده خاطر شده است، به تندى جواب داد:

«به هرحال من به شما اطمینان می‌دهم که ارتش همین امروز هم برای یک جنگ تمام‌عیار آماده است. ما هیچوقت نباید متکی به متحدان باشیم.»

ژنرال مخصوصا روی کلمه جنگ تأکید کرد، گویی جان همه

هر اگرچه جردن و پاول هیچ کدام به زبان نیاوردمند اما هر دو خوب می‌دانستند که در این لحظات، وحشت از حمله و خشونت از جانب ایران چیزی بود که از نظر دولتمردان آمریکا هر شهروند آمریکایی به آن نیاز داشت. منطقی که طی سالیان طولانی بر رؤسای جمهور و سیاستمداران این کشور حکومت می‌کرد. هر آمریکایی به مقدار زیادی وحشت و ترس مدام از دیگران نیاز داشت. ترسی که نفرت می‌آورد و باعث می‌شد آنها در مواقع خطر رفتاری شجاعانه از خود بروز دهند. به علاوه این ترس از دیگران باعث می‌شد که آنها فقط به دولت آمریکا و سلاح‌های خودشان اعتماد کنند و ساده‌لوحانه، جنایات و خشونت دولت را در مقابل دیگران به حساب دفاع یا برقراری صلح و نجات بشریت بگذارند.

مطلب در همین یک کلمه بود. بعد با حافظه خطاناپذیری که خاص همه فرماندهان است، اسم چند عملیات ا برد و تأکید کرد:

«فراموش نکنید، ما نورثی‌ها را داریم. بهترین ماشین‌های جنگی دنیا که هیچ قدرتی جلودارتر نیست.»

ژنرال سبک کرد و نگاهش به چهره سایر اعضای جلسه کرد. همیلتون جردن رئیس ستاد کاخ سفید، زینگیو برژینسکی مشاور امنیت ملی، سایروس ونس وزیر امور خارجه، هارولد براون وزیر دفاع، استیفیلد ترنر رئیس سازمان جاسوسی سیا و والتر ماندیل معاون رئیس‌جمهور.

نه‌ا جای تردیدی نبود که در چهره همگی نگرانی موج می‌زد.

پنج روز از مسئله گروگان‌گیری گذشته بود. ۵۲ نفر از آمریکایی‌های مستقر در سفارت آمریکا در این دسنگبر شده بودند. این اولین بار بود که سفارت آمریکا در گوشه‌ای از دنیا مورد تعرض قرار می‌گرفت و بدتر این که اسناد و مدارکی وجود داشت که اتهام

سیاسی منتقد و مخالف دولت کرده‌اند.»

در ادامه نویسنده بیانیه می‌افزاید: «بی شک موج دستگیری فعالان سیاسی خطای بزرگ دیگری در ادامه بدعت و خطای مصادره آراء مردم در انتخابات رسوای دهم است.»

سازمان مجاهدین طبق روال از ادبیات ابهام آود و مغرضانه ای در بیانیه‌های خود استفاده می‌نماید که کل حاکمیت را نشانه گرفته است. در همین رابطه در بیانیه مذکور و دیگر بیانیه‌ها کرارا از عبارت «اقتدارگرایان حاکم» استفاده شده که ذیلا به نمونه‌ای از آن اشاره می‌گردد: «ها به اقتدارگرایان حاکم هشدار می‌دهیم به خود آیند و برای حفظ قدرت و تحقق اقبال حقیر خود سرنوشت نظام و ملت ایران را به بازی نگیرند.» سازمان مجاهدین هیچ گاه مصداقی برای اقتدارگرایان حاکم نام نبرده و با این عبارت منجر به کلی قصد تشویش اذهان عمومی را داشته و همچنان به مشی گذشته اصرار می‌ورزد که صدور بیانیه‌های زنجیره‌ای و تکرار تقلب در انتخابات موید این مدعاست.

پاورقی

Research@kayhan.ir

جاسوسی آن‌ها را می‌توانست تأیید کند.

پرژینسکی با اشتیاق به تأیید گفته‌های ژنرال برآمد و گفت: «آقایان! این گروگان‌گیری احساسات آمریکایی مردم ما را جرحیه‌دار کرده است. ما نمی‌توانیم بگذاریم کشوری قدرتمان را به بازی بگیرد.

این مسئله می‌تواند به یک شورش بین‌المللی تبدیل شود.»

بعد رو به رئیس‌جمهور کرد و گفت:

«آقای رئیس‌جمهور، شما نباید اجازه دهید که این موضوع به یک جریان عادی تبدیل شود. اگر چنین اجازه‌ای بدهید، قدرت

نویسندگان و منتقدان این مجله علی‌رغم تمامی ادعاهای شبه روشنفکری اما مزدبگیر کوشان بودند و بایستی منویات او را عملی می‌ساختند. بنابراین از همان ابتدا مبلغ آثار سخیف و مبتذل هندی و ترکی و مصری (که بسیار مورد علاقه کوشان بودند) و فیلم فارسی‌های پارس فیلم شدند.

امثال پرویز دوابی (که با تبلیغات امثال ماهنامه فیلم امروز به یک شخصیت اسطوره‌ای در میان نویسندگان و منتقدان سینمایی بدل شد) و یاپرو گالستیان (که بعدا و در سال‌های پس از کودتا، مجله «ستاره سینما» را منتشر کرد)،

و پرویز نوری (که علی‌رغم تمامی ادعاهای شبه‌روشنفکری،

فیلم‌های سوپر مبتذلی مثل «رشید» را جلوی دوربین برد)

و سیامک پورزند (که خدماتش به سرویس‌های جاسوسی غرب موجب زندانی شدنش در سال‌های پایانی عرش گشت) از جمله آن نویسندگان (که به اصطلاح منتقدان بودند که برای هنرپیشگان دست‌چندم فیلم‌فارسی سر و دست می‌شکستند و برای مشایهات

برژینسکی گفت:

«خب ما باید قدم به قدم پیش برویم، می‌توانیم در مدت کوتاهی همه احساسات منطقه را به نفع خودمان تغییر دهیم. این جور نقشه‌ها همیشه نتیجه می‌دهد، ما اسناد جریان‌سازی هستیم. با دروغ‌های بزرگ دست به کار می‌شویم، دروغ‌های بزرگ را انسان راحت باور می‌کند.»

و بعد گویی فکر سگدم‌بخش و نامنتظرهای به خاطرش رسیده رو به براون کرد و گفت:

«به علاوه براون عزیز، تو فکر می‌کنی چرا همه این سال‌ها آمریکا دوام آورده است؟»

لحظه‌ای سکوت کرد اما منتظر پاسخ براون نماند و ادامه داد: «قدرت نظامی؟ ارتش؟ نه دوست من. بهه اعتقاد من چون کشورهایی که زیر سلطه ما هستند ما را بهتر از خودشان تصور می‌کنند، وقتی باور کنی که کسی بهتر از تو فکر می‌کند و بهتر هم تصمیم می‌گیرد کار تمام است، آنچه بین ما و این کشورها وجود دارد، همین است که آن‌ها باور دارند ما از خودشان بهتر هستیم.»

براون به علامت تردید شانه‌های بالا انداخت اما سایروس ونس که معمولا کمتر حرف می‌زد؛ مگر حرف قابل توجهی داشت گفت: «هن پیشهاد می‌کنم فعلا دست نگه داریم، ما نمی‌توانیم خطرات این ریسک را پیش‌بینی کنیم. روس‌ها ممکن است به پنهان کمک به ایران وارد منطقه شوند، آن وقت ممکن است کل منطقه را از دست بدهیم. درحال حاضر حمایت بین‌المللی را هم به طور کامل نداریم.

فراموش نکنید که ما در دوران جنگ سرد هستیم. تهاجم به هر کشوری، فرصت خوبی است برای تبلیغات و برانگیختن احساسات مردم بر علیه رقیب. بعیدنیست این حرکت به احساسات ضد آمریکایی در منطقه دامن بزند.»

۶- طبق قانون ایالات متحده، تظاهرات سیاسی از حقوق قانونی هر کس و هر گروه حتی خارجیان مقیم آمریکا به شمار می‌آید.



برگ‌هایی از پرونده سراسر خیانت منافقین جدید

چرا سازمان مجاهدین انقلاب منحل شد؟!

✽ در بخشی از ادعا نامه دادستانی تهران درباره مجاهدین انقلاب آمده است: با توجه به عملکرد اعضاء سازمان به ویژه از زمان تأسیس سازمان دوم که بدون تردید نمی‌توان آن را در خط امام(ره) و انقلاب اسلامی ارز یابی نمود مطابق با مراننامه سازمان بند ج تبصره ۳ که آمده است: هرگونه تغییر و انحراف از ماهیت اسلامی و اصیل سازمانی به منزله خیانت به بنیانگذاران سازمان بوده و خود به خود موجب انحلال سازمان می‌گردد. بنابراین درخواست انحلال این سازمان و محاکمه اعضاء آن به ویژه در مورد تحریک به آشوب در انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری که منجر به وارد آمدن خسارات جانی و مالی به مردم شریف ایران گردید را مطابق مقررات قانون مجازات اسلامی در خصوص اشخاص حقیقی و اعمال مقررات مواد ۱۶ و ۱۷ قانون فعالیت احزاب مصوب سال ۱۳۶۰ را دارم.



استبداد طلب و…

رأی گیری در شاخه اصفهان مبنی بر تحویل مسئولین نظام به ویژه رهبری به آمریکا به پنهان جلوگیری از حمله نظامی آمریکا به ایران

۲- حمله به شورای نگهبان

یکی از اقدامات ثابت سازمان‌بسه ویژه در ایام انتخابات حمله به شورای نگهبان و ایراد افتراء و تهمت مبنی بر اعمال گمراهشات حزبی می‌شود تا مانند امام جام زهر بنوشد.

طبق گزارش سخن از تمرکز اطلاعاتی از جلسات محفلی اعضاء اصلی سازمان سخن از تمرکز حملات روی ولایت فقیه به میان می‌آید اما در آشکار با استفاده از عبارات مهمل بروز می‌باید عباراتی مانند

اقتدارگرایان حاکم، محدود و پاسخگو کردن قدرت، یکه سالاری،

نگاهی به مطبوعات سینمایی در دوران پهلوی-۳

روشنفکر نمایانی که برای هنر مندان دست‌چندم خارجی سرودست می‌شکنند!

می‌ساخت هم مدیریت آن را

بر عهده داشت و مقالات متعدد

می‌نگاشت.^(۳۸)

یکی از مقالات اولین شماره

این مجله قابل توجه و البته

سؤال برانگیز است. در بخشی

از این مقاله که ظاهرا در دفاع

از تولیدات فیلم ایرانی نوشته

شده، آمده است:

«… جای تردید نیست که

صنعت سینما در ایران نیز

روز به روز رو به ترقی خواهد

گذاشت تا به آنجا که چند سال

بعد مردم نسه تنها از فیلم‌های

داخلی بیش از فیلم‌های خارجی

استقبال خواهند کرد. مخصوصا

که‌ه ما برخلاف آمریکایی‌ها،

شش هزار سال تاریخ مدون

پشت سر داریم و تنها شاهنامه

فردوسی برای تهیه عالی‌ترین

است. لیکن ایسن آرزو روزی

به ابرزش فیلم‌ها کافی

است. تریکن ایسن آرزو روزی

صورت خواهد گرفت که مردم

کشور ما خود را موظف بدانند

که صنایع داخلی را ولو دارای

معایبی به نام باشد مورد تشویق

قرار دهند…»^(۳۷)

ایسن در حالی است که

سینمایی که برای این کشور

تدارک دیده شده بود نه پیش

از چاپ این مقاله نه پس از آن.

نه توسط استودیو البرز (که متولیان همین مجله بودند) و نه توسط

استودیوهای دیگر در دوران طانوت، هیچ گاه حتی سعی نکرد از

آن شش هزار سال تاریخ مدون و متونی مانند شاهنامه بهره بگیرد و

دقیقا در مقابل آن به ترویج فرهنگ و ایدئولوژی و سبک زندگی غربی

پرداخت، سعی در زدودن همان تاریخ شش هزار ساله و ادبیات غنی

آن و اعتقادات و باورهای دینی و ملی که محور آن تاریخ و ادبیات

را تشکیل می‌دادند نمود و براساس آنچه از سوی متولیانش به آن

دیکنه می‌گردید، به هر شکل و صورت تلاش داشت تا همراه دیگر

مظاهر تجدد وارداتی، ریشه‌ها و زمینه‌های هویتی این سرزمین را

نبود سازد. از همین روی است که با جستجویی در میان فیلم‌های

تولیدی آن سالها، حتی یک فیلم نمی‌توان یافت که در حد اندکی

هم مقصود نظر نگارنده مقاله فوق را برآورده سازد و در مقابل صدها

نمونه مشاهده می‌شود که کاملا متضاد با آن است. و این یک اتفاق

یا انحراف نباشد زیرا که اساسا سینما توسط بنیانگذارانش در ایران

به همین منظور و مقصود بنیان گذارده شد!

منابع در دفتر روزنامه موجود است

می‌دانسته‌اند در اینجا به نمونه ای اشاره می‌شود.

آقای نبوی در اصلاح قطعنامه پایانی کنگره دوازدهم که به قلم آقای

آرمنین تقریر شده در هامش بیانیه خطاب به آرمنین می‌نویسد. «برادر

آرمنین، با سلام اولا صفحات اول خیلی لحن اپوزیسیونی داره، همه این

حرفها را همراه با دفاع از انقلاب، امام و … می‌توان زد.»

جمله فوق کاملا گویای ماهیت نفاق‌آلود این جریان است که با

نقاب خط امام و انقلاب و … قصد فریب مردم و توطئه‌چینی علیه انقلاب

اسلامی و کشور است.

ضمناً گزیده‌ای از بیانیه‌ها و اطلاعیه‌های صادره از سوی سازمان

مجاهدین انقلاب که در آن به وضوح القای جعل و تقلب در انتخابات و

تشویق و تحریک به آشوب و پلوا و ایجاد فتنه، مطرح گردیده است

و به عنوان نمونه به استحضار می‌رساند.

بیانیه مورخ ۲۶ خرداد ۱۳۸۸ سازمان مجاهدین انقلاب «ما ضمن

حمایت مجدد جناب آقای میرحسین موسوی و تقدیر و تشکر از

انستادگی و تلاش مجدانه ایشان برای صیانت از آرای ملت و تجدید

انتخابات از مردم بزرگ ایران می‌خواهیم اعتراضات و تحركات خود را

براساس اصول و محورهای این استخوانی از اطلاعیه‌های خویش اعلام

کرده‌اند سامان دهند.»

بیانیه مورخ ۲۴ خرداد ۱۳۸۸ سازمان مجاهدین انقلاب « در نتیجه

تقلبات در تاریخ ایران کم نظیر و است.»

بیانیه مورخ ۳۱ خرداد

۱۳۸۸ سازمان مجاهدین انقلاب

«سازمان مجدداً تأکید می‌کند

دولت برآمده از انتخاباتی که

صحت و سلامت آن از سوی

بخش عظیمی از ملت ایران

مخدوش و مردود اعلام شده و

به موج گسترده اعمال خشونت

علیه شهروندان شکل می‌گیرد.

آن را نپذیرفته و بر ابطال آن پای



*** امثال پرویز دوابی (که با تبلیغات امثال ماهنامه**

فیلم امروز به یک شخصیت اسطوره‌ای در میان

نویسندگان و منتقدان سینمایی بدل شد) و یاپرو

گالستیان (که بعدا و در سالهای پس از کودتا، مجله

«ستاره سینما» را منتشر کرد) و پرویز نوری (که

علیرغم تمامی ادعاهای شبه‌روشنفکری، فیلم‌هایی

سوپر مبتذلی مثل «رشید» را جلوی دوربین برد)

و سیامک پورزند (که خدماتش به سرویس‌های

جاسوسی غرب موجب زندانی شدنش در سال‌های

پایانی عرش گشت) از جمله آن نویسندگان (که به

اصطلاح منتقدان بودند که برای هنرپیشگان دست

چندم فیلم‌فارسی سر و دست می‌شکستند و برای

مشایهات خارجی (بهتر بگوییم هندی و ترکی و مصری

آنها) پشتک و وارو می‌زدند!

نه توسط استودیو البرز (که متولیان همین مجله بودند) و نه توسط

استودیوهای دیگر در دوران طانوت، هیچ گاه حتی سعی نکرد از

آن شش هزار سال تاریخ مدون و متونی مانند شاهنامه بهره بگیرد و

دقیقا در مقابل آن به ترویج فرهنگ و ایدئولوژی و سبک زندگی غربی

پرداخت، سعی در زدودن همان تاریخ شش هزار ساله و ادبیات غنی

آن و اعتقادات و باورهای دینی و ملی که محور آن تاریخ و ادبیات

را تشکیل می‌دادند نمود و براساس آنچه از سوی متولیانش به آن

مظاهر تجدد وارداتی، ریشه‌ها و زمینه‌های هویتی این سرزمین را

نبود سازد. از همین روی است که با جستجویی در میان فیلم‌های

تولیدی آن سالها، حتی یک فیلم نمی‌توان یافت که در حد اندکی

هم مقصود نظر نگارنده مقاله فوق را برآورده سازد و